درخت تو گر بار دانش بگیرد به زیر آوری چرخ نیلوفری را

نمونه سوالات امتحانی دی ماه

آیا با بسته جهش کانون آشنا هستید؟

یکی از ابتکارات امسال کانون فرهنگی آموزش(قلم چی) بسته جهش می‌باشد که در ۳ حوزه ، فرایند آموزش شما را تکمیل خواهد کرد و باعث پیشرفت نمرات شما در مدرسه میشود.



✓ **آزمون های تشریحی کانون از دوم دبستان تا دوازدهم: با هدف تمرین بیشتر و بهبود نمرات در مدرسه و امتحانات نیمسال اول و دوم**



✓ **فیلم های آموزشی آفلاین پیشرفت: تدریس توسط مجرب ترین دبیران پرمخاطب کشور، منطبق بر برنامه آموزش و پرورش و کتاب درسی با هدف پیشرفت در مدرسه**



✓ **نرم افزار پلکان یادگیری: شامل آزمون‌های تستی و تشریحی در سطوح مقدماتی و پیشرفته، با امکان ساخت آزمون در هر سطح دشواری**



kanoonBook.ir

برای دریافت جایزه ویژه از کانون بوک و یا آشنایی بیشتر با بسته جهش کانون، عدد ۳۳ را به سر شماره ۹۰۰۰۸۴۵۱ ارسال کنید.

www.kanoon.ir

نام درس : نگارش	اداره کل آموزش و پرورش استان البرز	مدت امتحان : ۳۰ دقیقه
پایه : هفتم	مدیریت آموزش و پرورش ناحیه ۳ کرج	تاریخ امتحان : ۱۴۰۴/۱۰/۰۴
نام و نام خانوادگی :	دبیرستان پسرانه پژوهان (دوره اول متوسطه)	شماره صفحه:۱
نام دبیر : استاد امامی	امتحان نوبت اول(دی ماه) - سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴	

تذکر : پاسخ خود را با خودکار آبی یا مشکی بنویسید .

سوالات

حکایت زیر را به زبان ساده امروزی بازنویسی کنید.

«یاد دارم که در ایام طفولیت متعبد بودمی و شب خیز و مولع زهد و پرهیز شبی در خدمت پدر -رحمه الله علیه- نشسته بودم و همه شب دیده بر هم نبسته و مصحف عزیز بر کنار گرفته و طایفه ای گِرد ما خفته پدر را گفـتم از اینان یکی سر بر نمی‌دارد که دوگانه ای بگزارد. چنان خواب غفلت برده اند که گویی نخفته اند که مرده‌اند. گفت: جان پدر تو نیز اگر بخفتی به از آن که در پوستین خلق افتی.»

www-kanoon.ir

به یاد دارم که در روزگار کودکی ؛ عبادت و بندگی خدا علاقه زیادی داشتم. شبها مشتاقانه بیدار می ماندم و ؛ نماز و تلاوت قرآن می پرداختم و از زهد و پرهیز لذت می بردم. شبی در کنار پدرم که خداوند رحمتش کند نشسته بودم. آن شب ، چشم برهم نگذاشته بودم و قرآن را در کنار خود گرفته بودم. اطراف ما گروهی از مردم در خواب بودند و همگی در آرامش خود رفته بودند.

با دیدن آنان ، رو به پدرم کردم و گفتم : «از میان این همه آدم ها ، حتی یک نفر هم بیدار نمی شود تا نمازی بخواند یا یادی از خدا کند. چنان در خواب غفلت فرو رفته اند که گویی جان در بدن ندارند و مرده اند.»

پدرم با آرامش لبخندی کرد و گفت : «فرزندم بهتر بود تو نیز می خوابیدی زیرا خوابیدن تو از آن بهتر است که ؛ جای عبادت در پی سرزنش و عیب جویی از دیگران باشی.»